

عکس/کهن ترین نسخه خطی دیوان حافظ

۱۱ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۷:۳۳

به گزارش میراث مکتوب، این دستنویس کهن ترین نسخه شناخته شده و کامل از دیوان حافظ است و به شماره ۵۱۴۹ در کتابخانه نورعثمانیه (استانبول) نگهداری می شود.

این نسخه شامل ۴۳۵ غزل، ۱ ترجیع بند (بندی از آن)، ۲۶ قطعه، ۴ مثنوی و ۱۱ رباعی است.

بنا به گزارش ترقیمه کتابت اشعار حافظ را محمد بن عبدالله بن محمد ابوبکر بن کریمشاه ملقب به غیاث ابرقوهی در روز چهارشنبه بیستم جمادی الاول سال ۸۰۱ ق به اتمام رسانده است. خط ابرقوهی از مشقهای نخستین نستعلیق نویسی پس از سده ۸ ق است و جریانی را می آرماید که در آن تعلیق به نستعلیق جای می پردازد و در مسیر همین تجربه است که هنوز نستعلیق غیاث ابرقوهی از کرشمه ها و غمزه های تعلیق نیز برخوردار است.

مهم ترین امتیاز این دستنویس، وجود دیباجه محمد گلندام (جامع دیوان حافظ) در آن است و تاکنون قدیم ترین نسخه از این دیباجه است که شناخته شده. غزلیات در نسخه نورعثمانیه به ترتیب الفبای قوافی تنظیم یافته و از این نکته معلوم می شود که از همان ازمنه قریب به دوره حافظ غزلیات او بر اساس قوافی سامان یافته بوده است. مقایسه و مقابله نسخه نورعثمانیه با دیگر نسخه های کهن حافظ، تفاوتهایی را در ضبط و قرائت برخی از کلمات نشان می دهد و تشابهاتی را نیز مشخص می نماید.

دستنویس شماره ۵۱۴۹ نورعثمانیه مجموعه ای است شامل اشعار شش شاعر که اشعار حافظ نخستین جزو از مجموعه است و برگهای ۱ تا ۴۱ آن را به خود اختصاص داده است. پس از دیوان حافظ این آثار در این مجموعه به چشم می خورد:

— دیوان افصح الشعراء جمال الملة والدین سلمان (برگ ۴۳ - ۱۰۶)

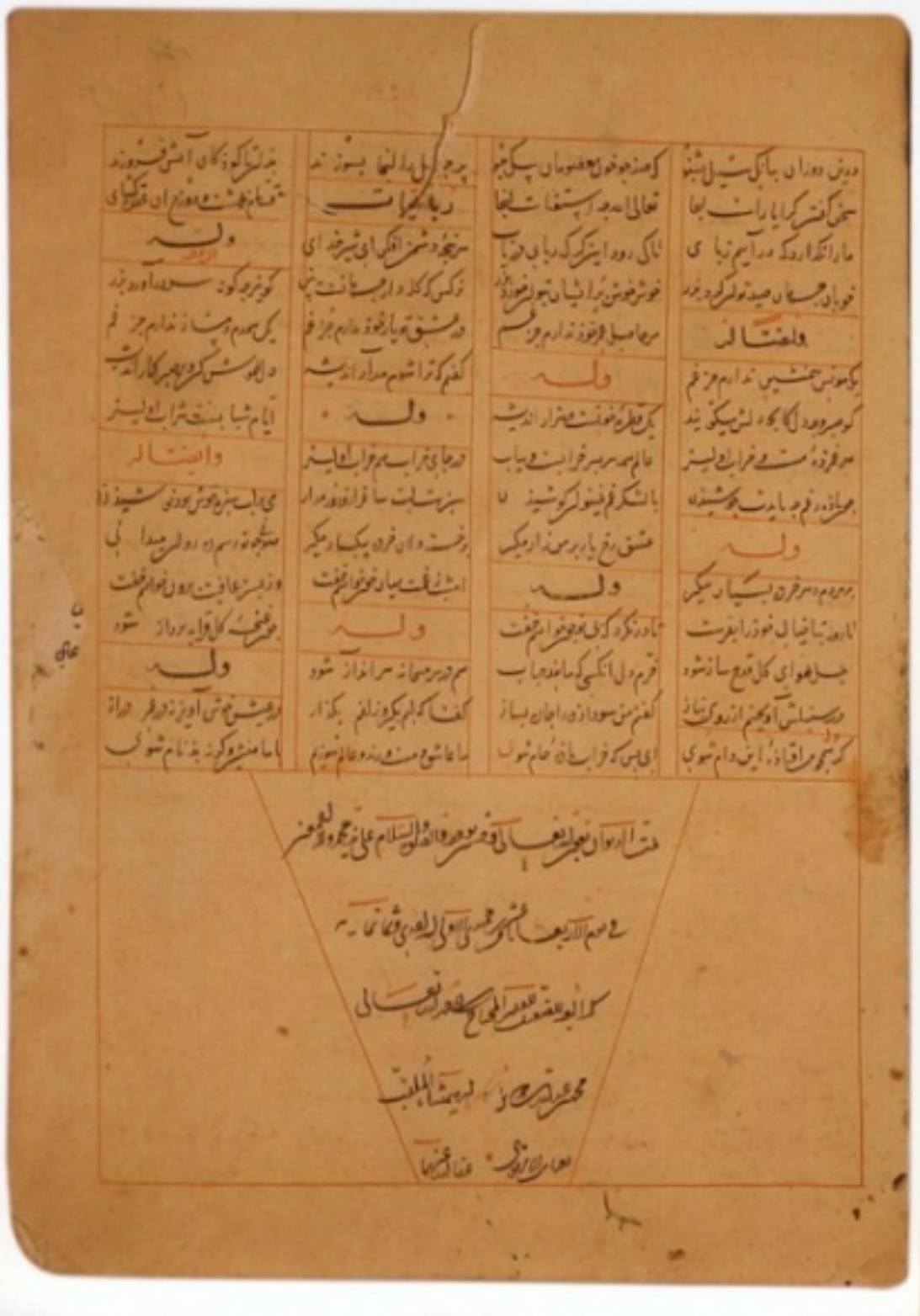
— روشنایی نامه از گفتار املح الکلام ملک الحکماء والمحققین ناصر خسرو (برگ ۱۰۶ - ۱۱۱)

— دیوان شیخ المحققین عماد الملة والدین (برگ ۱۱۲ - ۱۷۸) به همراه کتاب محبت نامه (برگ ۱۷۹ - ۱۸۹)، کتاب صفانامه (برگ ۱۸۹ - ۲۰۲)، و کتاب صحبت نامه (برگ ۲۰۴ - ۲۱۵) از همو.

— دیوان مرتضی المعظم جلال الملة والدين (برگ ۲۱۶ - ۲۴۹)

— دیوان مرتضی الاعظم کمال الملة والدين (برگ ۲۵۰ - ۲۶۷)

این اثر به کوشش و با مقدمه جناب آقای بهروز ایمانی معرفی و شناسایی شده است و در پایان آن نیز تصاویری از منابع کهن اشعار حافظ گرد آمده است.



دوش دوران با کمال شبنو سخت گفتن کرایان با مارانکه رو که در آیم نیای نوبان حسان صید تو کرد بند	که در جو خون و هوسان پس کفر تعالی به استغاثت لجا تاکی رود اینتر که بیای خوشتر خوش برایشان بول خوشتر	برج اول در لهما بسوزند و با حیوانات سزخه دشمنان فکر ای شیر خدای ز کس که کله در میستانت بنی	بندت تا که و کان آتش فروزند تو نام جوشت و نوبت آن قناری کون بر کون سدا و بند یک صدم دست از خدام جز نم
و ایستاد یکمونس خمشین ند ادم جز نم کو برود و لاجوه لسن میگویند سر فرود مست و خرابک لیسنر بمرازه دم بیدت جوشیدن	که در کله خونست مترار اندیش عام سر بر خرابت و بیاب باشکر قم فینو کر کوشیدن مشق رخ یار بر سزار میکس	و ایستاد در جای خراب هم خرابک لیسنر سزست است سافرا نوبت مترار رخت و آن خون یکسار میکس است وقت میان خون تو افیمت	و ایستاد یاب سزین خوش بودی شیدن سزخه دهم در لسن میدانی و در سز عافیت خون تو افیمت خوشتر کان اول بر داز شود
و ایستاد بر مردم در سر خون یکسار میکس نارده بتایینال نوزد ایستاد بیل هوای کل قمع ساز شود و یکسارش او بچشم از نو کساز که بر کمر اقاد از این دام شوی	و ایستاد تا در نکره کفی بچشم تو افیمت خرم دل انگلی که ساند عیاب گفتم من سواد از اجان ساز ای پس که خرابان عام شوی	و ایستاد هم در سز سازه سرازاز شود گفت که بلم یکروز لغف بکار ما عاشق مست و بند و عالم نوبت	و ایستاد و پیشش چشم او بر زده در دانه اما من سز و کرد بد نام شوی

ب
عاق

دست ابروان نعلی غیبی
 در صومع اللیب
 کمال الوصف
 محمد شریع ز
 عمارت ز

